

حقوق معنوی زن در خانواده بر مبنای آیات و روایات

فاطمه اوکاتی^۱

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی حقوق معنوی زن در خانواده بر مبنای آیات و روایات تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که بر مبنای آیات و روایات زن در خانواده از چه حقوق معنوی برخوردار است؟ این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی می‌باشد و روش به کار رفته در آن کتابخانه‌ای بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع‌آوری داده‌ها، فیش و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم‌ترین نتایج این مطالعه می‌توان به این مسائل اشاره نمود که بر مبنای آیات و روایات حقوق معنوی زن در خانواده بسیار است اما مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: معاشرت و رفتار مشروع، محافظت از کرامت زن، تامین نیازها و رفاه زن، حفظ اسرار زناشویی؛ که البته براساس تحقیقات صورت گرفته در باب کرامت زن می‌توان به این مسائل نیز اشاره نمود: کرامت زن در تساوی با مردان در خطاب‌های قرآنی، تثبیت هویت انسانی زن یا تساوی کرامت زن با مرد در اصل خلقت، برابری زن با مرد در کرامت ذاتی، برابری زن با مرد در کرامت اکتسابی

کلیدواژه: حقوق معنوی، خانواده، زن

^۱- طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر(س) علی‌آبادکتول

دوره‌های تاریخی بشر سرشار از اتفاقات ریز و درشت درباره‌ی مسائل مختلف و از زوایای متفاوت بوده است. گاهی از جنگ میان مذهب‌ها رنج برده است و گاه در نزاع میان زمین و ابزار تولیدی عمرش را سپری کرده است. زمانی درگیر سرکوب عقاید و اندیشه‌های علمی نوین بوده است. بعدتر بشر با تولد افکار و ایده‌های نوین فلسفی و با استفاده از ابزار خرد، هرآنچه مانع پیشرفت بشری‌اش بود سرکوب نمود تا راه برای رسیدن به امیال سیری‌ناپذیرش بازتر و هموارتر شود. این میان و تا مدت‌های مدید، زنان نه تنها محلی از اعراب نداشتند که اساساً مسأله‌ای به نام زنان، موضوعیت ماهوی نداشت.

تا اینکه بعد ظهور اسلام حقوق زنان به آنان بخشیده شده و در آیات متعدد و در عرصه‌های مختلف؛ روی آن‌ها تأکید و اجرای آن‌ها را خواستار شد. البته حقوق زن در خانواده و جامعه متفاوت می‌باشد و بحث در اینجا در باب حقوق زن در خانواده است که این حقوق به دو صورت مادی و معنوی می‌باشند؛ حقوق مادی زن در خانواده شامل اجرت المثل، مهریه، نفقه و... و حقوق معنوی شامل، ارزش‌هایی می‌شود که لازم است به زنان بخشیده شود تا آن جایگاه اجتماعی و سیاسی که زنان شایسته‌ی آن هستند و برای آن خلق شده‌اند، محفوظ بماند.

به همین علت حقوق معنوی زن دارای اهمیت بیشتری است زیرا اگر زنان از حقوق معنوی خویش بهره‌مند شوند سکنی و آرامش مردان فراهم می‌شود، چون که اجرای این مهم ضامن امنیت خانواده بوده به نحوی که زن با آرامش خاطر به ترتیب فرزندان و تامین آرامش فضای داخلی منزل می‌پردازد، وجوب تامین زوجه توسط شوهر، وی را در مقابل فراز و نشیب‌ها و دغدغه‌های فضای بیرون محافظت نموده و به زن فرصت مناسب داده تا در فضائی آرام به امور منزل و فرزندان بپردازد. و اگر به این مسئله توجه نشود از جمله پیامدهای منفی که به بار خواهد آورد این است که زنان خواهان جایگاه و ارزش‌های خود شده و از امر تربیت فرزند و تامین فضای آرام داخلی غافل می‌شوند که این خود آثار سوء بسیاری را به دنبال خواهد داشت.

با توجه به اهمیت فراوان این مسئله مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره نمود: موسوی بجنودی (۱۳۸۳) حقوق زن در اسلام، هاشمی (۱۳۸۰) مبانی و معیارهای رفتار با زن در قرآن، سترگ و رضاییان (۱۳۹۷) اصول قرآنی ناظر بر حقوق معنوی زوجه با تأکید بر نهج‌البلاغه. همان‌طور که مشخص است این مطالعات بیشتر به مباحث حقوق زن، معیار رفتار با زن و حقوق معنوی زن با تأکید بر نهج‌البلاغه پرداخته‌اند و هیچ کدام در مورد حقوق معنوی زن در خانواده بر مبنای آیات و روایات سخنی نگفته‌اند لذا این مطالعه درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که بر مبنای آیات و روایات زن در خانواده از چه حقوق معنوی برخوردار است؟

حق و حقوق زوجه در زندگی مشترک، شامل دو دسته حقوق مادی و معنوی است. از جمله حقوق زن در ازدواج از نوع حقوق مادی، حق نفقه، مهریه، اجرت‌المثل، تنصیف دارایی، ارث و مستمری شوهر بوده. منظور از حقوق معنوی زنان، آن دسته از نیازهای مسلم زنان در زمینه‌های مختلف است، که تداوم حیات و زندگی با کرامت و عزت آنان، در گرو آن‌ها می‌باشد. و در صورت ضایع شدن آن حقوق، تعالی نفس، سلامت روان و صفای روحی زنان آسیب دیده و آرامش و آسودگی جای خودش را به بحران درونی زنان و سقوط کرامت بیرونی می‌بخشد. از جمله حقوق معنوی زن عبارت است از: (۱) معاشرت و رفتار مشروع (۲) محافظت از کرامت زن (۳) تامین نیازها و رفاه زن (۴) حفظ اسرار زناشویی^۱

البته، می‌توان گفت این محوره‌ها ارکان اساسی حقوق معنوی زنان می‌باشند، و الا دایره‌ی حقوق معنویت با توجه به آیات و روایات، بیشتر از این‌ها است. زیرا معنویت، جوهری است که با روان و فطرت انسان سرشته، رشد و عدم رشد آن، با چشم دیده نمی‌شود؛ ولی اثرات نیکو و پسندیده‌ی آن در شخصیت انسان متجلی می‌شود و آثار و فضایل آن، زیوری معنوی برای شخصیت زنان می‌گردد. که هم در نقش مادری و تربیت فرزندان مؤثر است، و بهره‌مندی زنان از حقوق معنوی، زمینه‌ی سکنی و آرامش را برای مردان فراهم می‌کند. در غیر این‌صورت زندگی و نظام خانواده، مفهوم واقعی خودش را از دست می‌دهد. تا جایی که قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و یکی از نشانه‌های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته‌ی دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه‌ی شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسان‌ها و تعادل جسمانی و روحانی آن‌ها برقرار و محفوظ باشد). مسلماً در این (امور) نشانه‌ها و دلائلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (درباره‌ی پدیده‌های جهان و آفریده‌های یزدان) می‌اندیشند.»^۲

مفسرین در تفسیر آیه‌ی دو سوره‌ی انفال، از کلمه‌ی «زادتهم ایماناً» با برداشتی معنوی، آیه را به این گونه تفسیر می‌کنند: «تربیت معنوی، زمینه‌ساز رشد احساسات و عواطف، تهذیب، تزکیه و شفافیت آن‌هاست؛ همچنین موجب رشد شخصیت انسان می‌گردد. و از طرف دیگر تربیت معنوی و روحانی، باعث تعالی نفس، صفای روح و سلامت روان، از انواع بیماری‌ها و رذایل اخلاقی می‌گردد؛ علاوه بر این چنین تربیتی خشیت در برابر خداوند و تفکر در عظمت، و ادراک اسرار آفرینش و التزام به اوامر او را، در انسان تقویت خواهد نمود. روی همین اساس، علمای تربیت، یکی از محورهای تربیتی را "تربیت معنوی" قلمداد می‌کنند.»^۳

۱- احمدیان، سیمای جامعه‌شناسی زنان در آئینه قرآن، ص ۷۸

۲- سوره مبارکه روم، آیه ۲۱

۳- قطب، روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن، ص ۲۰۰

حق و تکلیف دو عنصر شخصیت انسان است، که هر مرد و زنی بهره‌مند از آن می‌باشد، و هر شخصی از نظر قانون، شرع و عرف، طرف آن محسوب می‌شود. در گذشته و قبل از اسلام، زنان در مقابل مردان در جامعه‌ی آن روز همانند بردگان، از نظر اجتماعی فاقد آن شخصیت مورد نظر در جامعه بوده، و در نتیجه شخصیت حقوقی اجتماعی آنان ناقص، و در مقابل تکالیف محوله، حقوق موردنظر و متعارف به آنان اعطا نمی‌شد.

یکی از این حقوق، حق معنوی است که اسلام آن را به زنان بخشیده است. و در آیات متعدد و در عرصه‌های مختلف؛ روی آن‌ها تأکید و اجرای آن‌ها را خواستار شده است. منظور از حقوق معنوی، ارزش‌هایی است که لازم است به زنان بخشیده شود تا آن جایگاه اجتماعی و سیاسی که زنان شایسته‌ی آن هستند و برای آن خلق شده‌اند، محفوظ بماند. حال در اینجا به تشریح حقوق معنوی زن پرداخته می‌شود:

(۱) معاشرت و رفتار مشروع

از منظر قرآن، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر، معاشرت به معروف است: «... و عاشروهن^۱ بالمعروف...» و با ایشان (زنان) به شایستگی رفتار کنید.^۱

معاشرت به دلیل ساختار واژگانی که دارد از مفاهیم اجتماعی و دوسویه است که هرگاه قید و پسوندی به آن افزوده نشود، گزینه‌های چندی در آن جای می‌گیرد؛ برای نمونه معاشرت مردان با مردان، زنان با زنان و مردان با زنان در جامعه و مردان با زنان در درون خانواده که مهم‌ترین آن‌ها گزینه اخیر است. اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مورد نظر و گفت و گو باشد همان‌سان که در آیه ۱۹ سوره نساء آمد به این معنی است که معاشرت به معروف ملاک رفتاری برای مردان تنها نیست و مقصود از «و عاشروهن بالمعروف» هم زمان تعیین ملاک و مبنای رفتاری شوهر با زن و زن با شوهر خویش است، پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانوادگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید طبق معروف رفتار کنند همسان و برابرند. و این آیه مبارکه نیز به گونه‌ای صریح وظایف، حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند.

نصوص روایی و سنت نیز معروف را به همین معنی می‌شمارد. رسول اکرم(ص) در خطبه حجۃ الوداع فرمود: «شما را بر زنان حقی است؛ همان گونه که ایشان را بر شما حقی است. از حقوق شما بر زنان است که نگذارند

۱- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۹

بر فراش شما کسی پا گذارد و زنان در آنچه معروف است از شما اطاعت کنند. هرگاه این حقوق از ناحیه زنان انجام شود بر شما است که خوراک و پوشاک ایشان را طبق متعارف تأمین کنید.^۱ همچنین رشیدرضا در تفسیر المنار می‌نویسد: «در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری نهفته است، یعنی مردان با زنان بر اساس متعارف رفتار کنید! و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه معروف معاشرت داشته باشند.»^۲ وهبه زحیلی از قرآن پژوهان و مفسران معاصر، به هنگام بر شماری حقوق شوهر بر زن از جمله آن حقوق را برخورد و معاشرت به معروف زن می‌داند.^۳

واژه معروف سی و هشت بار در قرآن آمده که نوزده مورد آن به موضوع معاشرت مردان با زنان در محیط خانواده پرداخته و معروف را ضابطه و قانون کلی در معاشرت و روابط خانوادگی قرار داده است: «... و عاشروهنّ بالمعروف...» و با ایشان (زنان) به شایستگی رفتار کنید.^۴ «... و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف...» و مانند همان (وظایفی) که بر عهده زنان است به طور شایسته، به نفع آنان (برعهده مردان) است.^۵ «الطلاق مرتان فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان...» طلاق (رجعی) دوبار است پس از آن یا (باید زن را) به خوبی نگاه داشتن یا به شایستگی آزاد کردن.^۶ «و إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ و چون زنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند، به خوبی نگاهشان دارید یا به خوبی آزادشان کنید.»^۷ آنچه آورده شد نمونه‌ای است از آیات بسیاری که در حوزه‌های مختلف زندگی خانوادگی نظر دارد و مردان را به رعایت معروف و زیستن و ترک رفتار ناپسند فرا می‌خواند، که اگر مجموع این آیات در نظر گرفته شود بی‌تردید می‌توان گفت از نگاه قرآن هر نوع رفتاری که در چارچوب معروف جای گیرد بایسته و ستوده و هر گونه رفتاری که از این دایره بیرون افتد ناپسند و نکوهیده است. به دیگر سخن، براساس معروف زیستن از منظر قرآن را نمی‌توان محض توصیه اخلاقی انگاشت، بلکه در باور قرآن، علاوه بر اینکه معروف، ملاک و معیار ارزش داور است؛ بایدها و نبایدهای الزامی و فقهی را نیز می‌بایست با مقیاس معروف سنجید.

ابن کثیر مصادیق معاشرت به معروف را چنین برمی‌شمارد: «معاشرت با معروف یعنی با همسرانتان خوش زبان و خوش رفتار باشید، خود را بیارایید (به اندازه توانایی) همان‌سان که دوست دارید همسرانتان خود را برای

۱- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۷۲

۲- رشید رضا، تفسیر المنار، ص ۶۷

۳- زحیلی، الفقه الاسلامی، ص ۵۶

۴- سوره مبارکه نساء، آیه ۱۹

۵- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۲۸

۶- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۲۹

۷- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۳۱

از آن جا که مرد مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده دارد، بخل‌ورزی وی در مسائل مالی، شرایط زندگی را برای همسر و اعضای خانواده دشوار می‌کند و باعث می‌شود آن‌ها در تنگنا و مذیقه باشند و برای تأمین مایحتاج زندگی خود نیازمند دیگران شوند.

اگرچه اسلام بر قناعت، صرفه جویی و برنامه‌ریزی اقتصادی در تعادل بین درآمد و مخارج در زندگی بسیار اهمیت قائل شده، اما بر تکلیف تأمین نیازهای اولیه خانه توسط سرپرست خانواده نیز تأکید دارد. قناعت به هیچ وجه به مفهوم خساست و بخل نیست. حضرت امیرمؤمنان (ع) این موضوع را در یک جمله چنین فرمودند: «بخشنده باش، ولی نه ولخرج و اسراف‌کار، و اندازه‌گیر باش، ولی نه سختگیر و بخیل».^۱

چنان که وجود و حضور انسانی باعث ایجاد مشقت و سختی برای اطرافیان‌اش گردد، نباید انتظار داشته باشد که دیگران از حضور در کنار او احساس خرسندی و شادمانی داشته باشند. و مردی که با سختگیری بر خانواده‌اش آسودگی و آرامش را از خانه رانده است، نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

از امام رضا (ع) روایت شده که فرمودند: «برای مرد سزاوار است که بر زن و فرزند خود توسعه دهد (سخت نگیرد) تا مرگ او را از خدا نخواهند».^۲ و از این بالاتر اگر مرد نسبت به انجام وظایف خود نسبت به همسر خود کوتاهی نموده و موجب پایمال شدن حقوق همسر خویش شود، مشمول لعن خدا قرار خواهد گرفت. رسول خدا (ص) فرمودند: «ملعون است، ملعون است کسی که فرد مورد تکفل خویش را تباه سازد».^۳

البته اسلام دین تعادل و میانه‌روی است. لذا همان‌گونه که خداوند متعال در تبیین وظیفه مردان نسبت به همسر و فرزندان خود بسیار تأکید نموده، از افراط در این عمل نیز منع می‌نماید. بنابراین انجام این مسئولیت نیز باید در حد متعارف آن صورت پذیرد و بیش از این مقدار خارج از محدوده وظایف مرد نسبت به همسر خویش است.

اگر چه قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع تبیین احکام و معارف الهی از سوی حضرت باری تعالی بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردید، اما اهل بیت (ع) با دسترسی به گنجینه‌های اسرار الهی و برخورداری از علم لدنی با تفسیر صحیح آیات قرآن و سنت پیامبر (ص)، و تبیین آموزه‌های حقیقی احکام الهی و مبارزه با خرافات و کج‌اندیشی‌های منحرفان، نقش مؤثری را در بالندگی، حفظ و بقای تعالیم دین اسلام ایفا نموده‌اند. لذا با توجه به این که شرع مقدس اسلام در همه ابعاد به صورت جامع و دقیق حدود و مرزها را برای انسان‌ها تشریع نموده، حد و مرز وظایف یک مرد مسلمان در برابر نیازهای مادی همسرش را نیز تبیین نموده است.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۳

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۱۱

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵

دو نکته بسیار مهمی که در تکمیل مطالب فوق باید بر آن تأکید ورزید این است که توانایی یا عدم توانایی مالی زن تأثیری در مسئولیت همسرش در تأمین نیازمندی‌های متعارف وی نخواهد داشت، و بر اساس شرع مقدس اسلام حتی اگر زنی به فعالیت اقتصادی مشغول و از این فعالیت درآمدی بدست آورد، باز وظیفه پرداخت نفقه و رفع نیازهای آن زن از عهده همسر وی ساقط نخواهد شد. و نکته دوم این که؛ از نظر اسلام مرد موظف است برای ایجاد رفاه خانواده خود تلاش نماید و نباید فقر و تنگدستی را بهانه‌ای برای فرار از این تکلیف شرعی قرار دهد.

(۴) حفظ اسرار زناشویی

فردی که راز دیگری را بیان می‌کند خودش باعث می‌شود که اطرافیان با دیده‌ی تحقیر و به صورتی صنفی به او بنگرند و کرامت ذاتی او زیر سوال خواهد رفت. آنچه بین همسران وجود دارد فقط بین همان دو نفر خواهد ماند و لزومی ندارد دیگران از رازهای بین آن دو آگاهی یابند. رازداری برای حفظ و تداوم زندگی زناشویی اصلی لازم است

خانواده مکانی برای ارتباط مناسب اعضاء، حفظ حرمت و شئون یکدیگر است. این حریم خانوادگی ابتدا از سوی خود اعضای خانواده باید حفظ شود و سپس از ناحیه‌ی دیگران. تنها در این صورت است که امنیت زندگی زناشویی تأمین می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عواملی که این حریم را تهدید می‌کند بیان اسرار و رازهای درون خانواده نزد دیگران است. گاهی در زندگی مشترک، یکی از طرفین، مسئله‌ای خصوصی و به اصطلاح راز، را افشا می‌کند. به طور اجمال انواع برملا کردن رازها به این قرارند:

* بیان راز همسر برای دیگران

* بیان راز دیگران برای همسر

* بیان رازهایی از زندگی مشترک برای دیگران^۱

این موارد هر کدام آثار سوئی در بردارند که به اختصار اشاره خواهد شد.

آثار نامطلوب افشای راز:

الف) پرورش شخصیت منفی: افشای راز نزد دیگران، باعث ایجاد شخصیتی منفی در گوینده خواهد شد. زیرا هیچ کس از کسی که مدام راز دیگران را بیان می‌کند خوشش نمی‌آید. فردی که راز دیگری را بیان می‌کند

^۱- جامی، ارتباط ها و افشای راز خیانت، ص ۵۶

خودش باعث می‌شود که اطرافیان با دیده‌ی تحقیر و به صورتی صنفی به او بنگرند و کرامت ذاتی او زیر سوال خواهد رفت.^۱

ب) کاهش درجه‌ی ایمان و اعتقاد به خدا: کسی که راز دیگران را برملا می‌کند به تدریج علاقمند می‌شود که رازهای بیشتری را بداند لذا در امور دیگران کنکاش می‌کند و این کنکاش و جستجو برخلاف دستور صریح قرآن کریم است که: «در امور دیگران تحبسس نکنید.»^۲ در واقع تحبسس‌کننده در امور دیگران صریحاً با حکم خداوند مخالفت کرده است! و گناه کبیره مرتکب شده است. همچنین امام علی (ع) فرمودند: «آن کس که در مقام تخصص از اسرار دیگری برآید خداوند رازهای او را آشکار خواهد کرد.»^۳

ج) غفلت و انحطاط اخلاقی: انسان‌ها به میزانی که به بر ملا کردن راز دیگران و افشای اسرار مردم می‌پردازند از خودشان غافل می‌شوند و بدین وسیله فرصت‌های ارزشمندی را که می‌توانست صرف خودسازی خود کند در راه تلاش برای کنکاش و تحبسس در امور دیگران، هدر می‌دهد.

وقتی فرد در زندگی خانوادگی خود رازداری را رعایت کند، فرزند او نیز الگویی عینی از این مسئله خواهد داشت و این مسئله به رازدار بودن وی در آینده کمک زیادی می‌کند

۱- سایت نور، ۱۴۰۳/۱/۳، ۲۱:۴۵

۲- سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۲

۳- تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۷۱

نتیجه گیری

با بررسی آیات و روایات مشخص می‌شود که بعد از ظهور اسلام حقوق و جایگاه زن مورد توجه قرار گرفته، تاجایی که زن قبل از اسلام از هیچ حقی برخوردار نبود و به او به چشم یک کالا می‌نگریستند؛ بعد از ظهور اسلام دارای ارج و قرب بسیاری گشت. از طرفی دیگر براساس مطالعات صورت گرفته مشخص شد که اسلام علاوه بر حقوق مادی یکسری حقوق معنوی را نیز برای زن در نظر گرفته اما از آن جایی که دایره این حقوق بسیار گسترده است، به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شد که شامل این موارد می‌شود: معاشرت و رفتار مشروع؛ این مسئله فقط مختص مردان نیست بلکه زنان نیز موظف هستن این مسئله را مورد توجه قرار داده و رعایت کنند، مسئله بعدی محافظت از کرامت زن است؛ نظام حقوقی اسلام بهترین کرامت را به زن بخشیده و بهترین دفاع را از شخصیت حقیقی و حقوقی زن نموده است. کرامتی که اسلام به زن بخشیده است در هیچ تمدن قبل از اسلام، وجود نداشته است و پس از پیدایش اسلام هم هیچ تمدنی پدید نیامده که کرامتی بهتر از آن را برای زن بیان کرده باشد، مسئله دیگر که مورد توجه قرار گرفت تامین نیازها و رفاه زن می‌باشد؛ این مسئله بستگی به حد توانایی شوهر دارد و زن نباید چیزی را از وی طلب کند که از عهده او خارج است، و مسئله آخر حفظ اسرار زناشویی می‌باشد؛ زیرا خانواده مکانی برای ارتباط مناسب اعضاء، حفظ حرمت و شئون یکدیگر است. این حریم خانوادگی ابتدا از سوی خود اعضای خانواده باید حفظ شود و سپس از ناحیه‌ی دیگران. تنها در این صورت است که امنیت زندگی زناشویی تأمین می‌گردد.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، مترجم: نعمت الله کاشانی، سراوان: انتشارات نشرسروچ، چاپ اول، ۱۳۹۴
- ۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دارالحديث، چاپ هشتم، ۱۳۹۵
- ۳- جامی، سعید، ارتباط ها و افشای راز خیانت، شیراز: انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۴۰۱
- ۴- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مترجم: عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ دهم، ۱۳۸۶
- ۵- رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، تهران: انتشارات فرهوش، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۶- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی، مترجم: حسین صابری، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۹
- ۷- سایت نور، ۱۴۰۳/۱/۳، ۲۱:۴۵
- ۸- شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۸۷
- ۹- صدر، سید حسن، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۹۵
- ۱۰- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، قم: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸
- ۱۱- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ هشتم، ۱۳۸۴
- ۱۲- علامه مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۴
- ۱۳- فخررازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، مترجم: علی اصغر حلبی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹
- ۱۴- قرطبی، محمد بن احمد، جامع الاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ دوم، ۱۳۶۸
- ۱۵- قطب، محمد، روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن، ترجمه: محمود ابراهیمی، سنج: انتشارات آراس، ۱۳۸۹
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم: حسین استادولی، تهران: انتشارات دارالثقلین، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
- ۱۷- محدث نوری، میرزااحسین، مستدرک الوسائل، قم: انتشارات آل بیت، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۱۸- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۶۷
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳
- ۲۰- نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، مترجم: محمود قوچانی، قم: انتشارات اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۸۶